



حرف های جالب همسر سابق یک سلبریتی از دلایلی که زندگی مشترک شان را تابه کرد

## همسر م جنبه شهرت را نداشت

«شهرت» جذاب است. کمتر فردی است که بتواند این جمله را منکر شود. خیلی ها از روزی که جای افراد مشهور باشند، دیگران برایشان هورا یکتشد و با آن ها عکس یادگاری بگیرند ولی این معروفیت پر زرق و برق گاهی فقط از دور، پر از رنگ و لعاب است و در پشت صحنه، واقعیت زندگی چیز دیگری است. به گزارش «همشهری سرنخ»، همسر سابق یک هنر مند مشهور پیشقدم شده تا از بلاهایی بگوید که معروفیت سر زندگی اش آورده است. خانم «تینا» همسر سابق یکی از هنرمندان مشهور کشورمان است که بعد از مدت ها جدایی از همسرش تصمیم گرفته داستان زندگی اش و مشکلاتی را که «شهرت» سر زندگی مشترک او و همسرش آورده، تعریف کند به این شرط که نامش فاش نشود.



عکس از تینا است

**کاش بعضی چیزها نادیده نمی گرفتیم**

تینا می گوید که سال ها پیش با همسر سابقش توسط یک دوست خانوادگی آشنا شده است: «آن روز ها او خیلی معروف نبود، تازه کارش را شروع کرده بود و از نظر همه یک پسر با شخصیت و خوش قیافه به نظر می رسید.» در همان دیدار اول، مادر دادام می گوید که پسرش قبلا از دواج کرده اما به خاطر نداشتن

## آیا بچه دار شدن باعث دور شدن زوج ها از هم نمی شود؟!



آیا دو نفر که با هم ازدواج می کنند، حتما باید بچه دار نشوند؟! آیا پایدی در این باره وجود دارد؟ آیا بچه فقط دردسر و محدود کننده نیست؟ آیا بعد از تولد بچه زن و شوهر از هم دور تر نمی شوند؟

**منیژه مسگری** | کارشناس ارشد مشاوره خانواده



مخاطب گرامی! اگر بخواهیم به جواب قانع کننده ای درباره مسئله بچه دار شدن و تاثیر آن بر زندگی مشترک برسیم لازم است که به هدف زندگی و نیازهای خودمان عمیق تر نگاه کنیم. در ادامه به این سوال متفاوت شما پاسخ خواهیم داد.

**تولید مثل باعث تکامل انسان می شود**

هر موجودی توانمندی هایی دارد در طول حیات خود با استفاده از آن ها تازاری به جا می گذارد. ماهیتا همه موجودات توانایی تولید مثل دارند و از آن جا که هر توانمندی یک نیاز است که باید برآورده شود بنابراین ما با تولیدمثل به نیازی در خود پاسخ می دهیم که باعث رشد و تکامل می شود. باین حال به دلایل مختلفی ممکن است فردی زوجی نخواهند یا نتوانند از برخی توانمندی و نیازهای ذاتی خود بهره برند. این توانایی را نخواستن البته یک نقص در وجود آن ها ایجاد می کند ولی ممکن است چاره دیگری نباشد. همین موضوع درباره بچه دار شدن هم صادق است. گاهی اوقات فرزند آوردن می تواند برای هر کدام از زن یا مردی بارزنی زندگی مشترک آن ها عوارض یا پیامدهای ناخوشایندی داشته باشد. در این صورت این به عهده خود آن هاست که تصمیم بگیرند کدام نیاز یا مسئله برایشان اولویت دارد.

**ایراد از بچه دار شدن نیست**

در هر حال باید به یاد داشت که ایراد از بچه دار شدن نیست چون این یک نیاز ذاتی همچون دیگر نیازهاست. در واقع مشکل مربوط به محدودیت ها، ضعف ها و ترس های ماست. اگر آوردن فرزند

تعریف می می کردند. چند بار همدیگر را در فضاهای عمومی یا زیر نظر خانواده دیدیم، رفتار اجتماعی بسیار عالی داشت. خب طبیعی بود که من و همه اعضای خانواده ام او و شخصیت اش را تأیید کنیم، کمی مکث می کند و یاد دومین اشتباه زندگی اش می افتد: «دومین اشتباه من این بود که فقط به تحقیقاتی که از محل کارش شده بود و رفتارش با خانواده ام او و خودم بسنده کردم و سراغ افرادی مثل همسر سابقش نرفتم تا ببینم دلیل طلاق شان چه بوده است. او خیلی خوب رفتاری کرد و خوش سرو زبان بود و شاید همین مسائل بود که باعث شد به خودم اجازه ندهم تا سراغ همسرش بروم. احتمالاً تا کنون برایتان پیش آمده است که با شخصی روی به رو شده باشید که مثلاً همکارانش در باره اش آن قدر خوب بگویند که شما اصلاً دلیلی نبینید که به او شک کنید. من به دوستانی که در باره زندگی مشترک مان می پرسند، می گویم که به تحقیقاتی که دیگران برایتان انجام می دهند زیاد دل خوش نکنید چون یک فرد می تواند در بین مردم و همکارانش یک شخصیت و در خانه و در کنار همسرش یک شخصیت دیگر داشته باشد.»

**با هر مصاحبه از من دور تر می شد**

«تینا» با مرد و واهایش ازدواج می کند. مهریه معقولی در نظر گرفته می شود و عروسی خیلی مختصری. او حالا فکر می کند خوشبخت ترین انسان روی زمین است تا این که متوجه می شود همسرش او را در مصاحبه ها و در مراسم مختلف مخفی می کند: «زندگی ما از دوره عقد تا دوران ازدواج مان، چند ماه طول کشید. در این چند ماه حتی در مهمانی ها، همسران دوستانش به من می گفتند که خیلی خوش شانس هستی و مرد خوبی قدم به زندگی ات گذاشته است. خودم هم همین فکر امی کردم اما شهرت لعنتی همه چیز را در زندگی مانابود کرد. او مدتی بعد از ازدواج مان معروف و بسیار محبوب شد و در طول چند ماه همه او را شناختند و از همان روز ها بود که ها و مجلات یک سره سراغش را می گرفتند و عکس هایش همه چاپش شد. هر جا را که نگاه می کردی عکس او بود. همه چیز با روز نامه ها و مجلات شروع شد، شاید یکی از دلایلی که تصمیم گرفتم با شما مصاحبه کنم همین بود که بگویم همه چیز از شمارز نامه نگار ها شروع شد. برخی از خبرنگاران حتی او ات گذاشته است. خودم هم معرفی می کردند و مرد زندگی من با هر مصاحبه از من دور تر می شد. آن روز ها از کنار هر کیوسک روزنامه فروشی که رد می شدم، عکس او را روی جلد مجلات می دیدم. اوایل خیلی خوشحال می شدم، مجله ها را می خریدم و آرشو می کردم. نمی دانید چند به شوهرم افتخار می کردم تا این که مصاحبه های تصویری او در شبکه های مختلف شروع شد. مرد رویا های من رویه روی دور بین ها به گونه ای حرف می زد که انگار همسری ندارد. این مورد در چندین گفت و گوی تصویری تکرار شد. موضوع آن قدر شور شده بود که حتی خانواده ام می گفتند شوهرت طوری حرف می زند که

انگار مجرد است و این من بودم که جوابی برایش نداشتم و دلم با حرف هایم لریزد.»

**مقتضای از جنس خودم باعث طلاقم شدند**

این تازه شروع مشکلات تینا و شوهرش بود. او نمی دانست دنیای شهرت چه دنیای عجیب و غریبی است: «طی یک ماه، طرفداران یکی از صفحه های اجتماعی اش به حدی رسید به بودند که من از تعجب شاخ در آورده بودم، انگار خودش هم باورش نمی شد. پیام های زیر پست هایش آن قدر زیاد بود که حتی نمی کردم همه آن ها را بخوانم اما متأسفانه تعداد زیادی از این پیام ها متعلق به دختران اینستاگرامی بود که انگار اصلاً به دل شکسته یک زن دیگر فکر نمی کردند. منتظر بودم تا او اعلام کند که متأهل است اما او هیچ کاری برای جلب اعتماد من نکرد. در مقابل کارهایی می کرد که هر روز شکم بیشتر می شد. من مانده بودم گیج و میوهوت. آیا او مردی بود که من می شناختم؟ تا مدتی به خاطر غرورم هیچ حرفی نردم اما بالاخر تصمیم را گرفتم و به او می گفتم: «چرا در مصاحبه هایت نمی گویی متأهلی؟ چرا اعلامت تاهل را از قسمت بیوگرافی صفحه اجتماعی ات برداشتی؟ چرا اجازه می دهی این همه زن و دختر برایت پیام بگذارند؟» البته در این جریان فقط همسر من مقصر نبود بلکه زنانی از جنس خودم هم مقصر بودند که بدون این که کسی را بشناسند، شروع به تعریف و تمجید از او می کردند و این مرد زندگی من بود که هر روز از من دور تر و دور تر می شد.»

او در جواب تینا جواب های کلیشه ای به زبان آورد که هیچ منطقی پشت اش نبود: «می گفت زندگی خانوادگی و مشترک من به مردم ربطی ندارد، اصلاً دوست ندارم به سمت این حاشیه ها کشیده شوم، به دیگران چه مربوط که من همسر دارم یا نه؟»

**شوهرم با زنی خارج از کشور ارتباط داشت**

زن جوان به این جای صحبت مان که می رسم، لبخندی می زند و انگار چیزی یادش آمده باشد با عجله می گوید: «روی گوشی اش رمز گذاشته بود. کاری که قبل از آن نکرده بود. سعی می کرد جایی بنشیند که من نتوانم به صفحه گوشی اش نگاه کنم. مدام در حال چت و ... بود. زمانی که اعتراضی می کردم می گفت صحبت هایمان کاری است، زن جوان یک دفعه تلخ می شود و می گوید مدتی بعد

فهمیده که شوهرش با زن جوانی در ارتباط است. زنی در آن سوی آب ها: «هیچ وقت نمی توانم کسانی را ببخشم که می دانستند او از دواج کرده ولی با او ارتباط داشتند. همسر من جنبه شهرت را نداشت. به محض هم یک روز به خانه آمد و گفت که می خواهد به خارج از کشور برود و در ایران نمی تواند پیشرفت کند.»

**برای طلاق از من همکاری خواست**

نفس عمیقی می کشد و ادامه ماجرا را توضیح می دهد: «من از خانواده نسبیتا ثروتمندی بودم اما هیچ وقت دوست نداشتم که از خانواده ام دور باشم. یک روز به خانه آمد و گفت می خواهم تو را طلاق بدهم و باید با من راه بیایی چون من تصمیم را گرفته ام تا از ایران بروم. بعد از آن ما چرا، دعوی سختی بین ما در گرفت و من به خانه پدرم رفتم. آقای معروف مدام به خانه پدری ام می آمد و رویه روی پدر و مادر من می گفت که اگر چه زودتر طلاق بگیرم و همکاری نکنم، او می رود و من می مانم و کلی مشکل و دردسر و برای همین بهتر است که با او راه بیایم. در همان دوران بود که پدرم از غم و غصه من دو بار سکنه کرد و در این شرایط بود که من تر جیع دادم زندگی ام را از این فرد که هر روز زن های زیادی برایش پیام های عاشقانه می گذاشتند و گل می فرستادند، جدا کنم.»

**نمی توانم آرام باشم!**

به این جای داستان که می رسم، زن جوان می گوید که بعد از جدایی فهمیده که همسر سابقش در همان زمانی که در کنار او زندگی می کرده با زنان زیادی در ارتباط بوده و حتی یکی از آن ها وکیل پرورنده طلاق آن ها بوده است: «او به وکیل پرورنده مان پیشنهاد ازدواج داده اما بعد زیر قولش زده بود. چند زن جوان هم فیلم ها و عکس هایی از او بر ایم ارسال کردند که با دیدن آن ها حالم خیلی بد می شد. همه آن ها می گفتند همسر سابقم به آن ها پیشنهاد ازدواج داده اما بعد از هر قولش زده است.

تنها کاری که از دستم بر می آمد این بود که به تک تک شان بگویم ما جدا شده ایم و روابط او به من ربطی ندارد. این گونه آرام می شدم اما کدام زنی است که بفهمد همسرش وقتی به او می گفته متعهد است و با زنان دیگری در ارتباط بوده، بتواند آرام باشد.»

[...]

**زندگی ما از دوره**

**عقد تا دوران ازدواج**

**مان، چند ماه طول**

**کشید. در این چند ماه**

**حتی در مهمانی ها،**

**همسران دوستانش**

**به من می گفتند که**

**خیلی خوش شانس**

**هستی و مرد خوبی،**

**قدم به زندگی ات**

**گذاشته است. خودم**

**هم همین فکر را می**

**کردم اما شهرت**

**لعنتی همه چیز را در**

**زندگی مانابود کرد**

**و مدتی بعد از ازدواج**

**مان معروف و بسیار**

**محبوب شد و در**

**طول چند ماه همه او**

**را شناختند و از همان**

**روزها بود که همه چیز**

**برای من تمام شد**

[...]

**عصر جدید، زندگی تستی**

**را بر نمی تابد. هیچ اشکالی**

**ندارد در نظام آموزشی**

**کشور به ویژه در دوره**

**ابتدایی و اول متوسطه،**

**گاه آزمون های تستی هم**

**بر گزار شود ولی به جای**

**این که همه شان چهار**

**جوابی باشند با یک سوال**

**درست و سه نادرست،**

**می توان سوالات سه، چهار**

**یا پنج گزینه ای طراحی**

**کرد و در هر سوال از یک تا**

**چند گزینه صحیح داشت**

**تا این پیام را انتقال دهند**

**که در زندگی نیز می توان**

**برای یک مسئله چندین**

**جواب را دنبال کرد**

**مناسبتی**

آسیب های روان شناسانه تستی بودن کنکور، که حتی زور و زور آموزش و پرورش به حذف آن نمی رسد

**چگونه سوالات ۴ گزینه ای قدرت تفکر را می گیرد؟!**

وزیر آموزش و پرورش در یکی از جدیدترین سخنرانی هایش گفته: «در جمع خانواده بزرگ آموزش و پرورش باید اعتراف کنم که زورم به حذف کنکور نمی رسد». یکی از بارز ترین ویژگی های کنکور، سوالات تستی آن است. سوالات چهار گزینه ای یا همان تستی، اختراع جالبی برای معلمان است که نمی خواهند درگیر دستخط های کج و معوج و زیاد نویسی های دانش آموزان و دانشجویان شان شوند! در این مطلب نمی خواهیم درگیر تست و نقد و بررسی آن شویم بلکه صرفاً به بررسی اجمالی پیام ناگوار تست بسنده می کنیم، «عصر ایران» با این مقدمه می نویسد که در هر سوال چهار گزینه ای، تنها یک پاسخ درست است و بقیه پاسخ ها کاملاً مردود هستند، در چند بخشی از پاسخ را در خود داشته باشند. پیام نهفته در دل سیستم تستی برای کودکان و نوجوانان این است: «برای هر مسئله و مشکلی، تنها یک راه حل وجود دارد و این، گزاره ای غیر واقعی است و گاه، بسیار ناامید کننده و مخرب. پیام تست که به طور ناخوداگاه منتقل می شود در تضاد کامل با زندگی اجتماعی ماقارر دارد. ما باید یاد بگیریم و سپس به فرزندان یا دانش آموزان خود یاد دهیم که برای حل هر مشکلی، فقط به یک راه حل فکر نکنند بلکه راه های مختلفی را بررسی و طی کنند.

**هر مسئله، یک راه حل ندارد**

یک معلم ریاضی که به دانش آموزانش می گوید تنها از فرمول و راهی که یاد داده است باید جواب را پیدا کنند، در واقع به دانش آموزانش یاد می دهد که برای حل مشکلات زندگی شان نیز همان راه پیموده یا توصیه شده توسط دیگران را طی کنند و خودشان به دنبال یافتن یا ایجاد راه های جدید نگردند چرا که هر مسئله ای فقط یک راه دارد! «زندگی تستی» که در آن فکر می کنیم برای هر مشکلی تنها یک راه وجود دارد که باید آن را از قبل آموخت، منشأ بسیاری از مشکلات ماست. بسیاری از کسب و کارها به این دلیل شکست خورده اند که صاحبان شان فکر می کردند که تنها یک راه برای موفقیت وجود دارد و آن راه همان راهی است که موفق های قبلی طی کرده اند. با این حال بعد از تقلید از او موفقیت آمیز قبلی ها چون به هدف شان نرسیده اند، کار و بار شان را تعطیل کرده اند.

**یاد بگیریم راه های دیگری هم هست** بسیاری از دانش آموزان از درسی مانند ریاضی گریزان هستند چون ریاضی آموزش داده شده در مدارس می گوید: «فقط همین یک راه!» در حالی که اگر راه های مختلفی یاد داده می شد، شاید دانش آموز با راه دوم یا سوم ... کنار می آمد. بسیاری از همسران از هم جدا شده اند، چون برای حل هر کدام از مشکلات زندگی مشترک شان، تنها به راه حل های انجام یا توصیه شده توسط دیگران بسنده کرده اند و هرگز ننشسته اند که راه های جدیدتری بیابند چون اساساً یاد نگرفته اند که ممکن است راه دیگری هم وجود داشته باشد.

**عصر جدید، زندگی تستی را بر نمی تابد** هیچ اشکالی ندارد در نظام آموزشی کشور به ویژه در دوره ابتدایی و اول متوسطه، گاه آزمون های تستی هم برگزار شود ولی به جای این که همه شان چهار جوابی باشند با یک سوال درست و سه نادرست، می توان سوالات سه، چهار یا پنج گزینه ای طراحی کرد و در هر سوال از یک تا چند گزینه صحیح داشت تا این پیام را انتقال دهند که در زندگی نیز می توان برای یک مسئله چندین جواب را نامردست طراحی کرد و از دانش آموز خواست، گزینه صحیح را خودش بنویسد. هدف از این روش، گشودن فکر دانش آموزان و راهی آن ها از پیش فرض هاست. (در دور متوسطه دوم برای آماده سازی دانش آموزان برای مسابقات علمی می توان از تست های مرسوم استفاده کرد). فراموش نکنیم که دوران مطلق انگاری به پایان رسیده است و نسل جدید را باید برای عصری آماده کرد که در آن، باید یک پدیده را از زوایای گوناگون ببینند و برای رسیدن به یک مقصد راه های مختلفی را تجربه و انتخاب کنند و حتی خود راه های جدیدی بسازند و برونود پیشنهاد کنند. عصر جدید، زندگی تستی را بر نمی تابد.



**چند نکته جالب درباره شرکت «هانی»**

«هانی توسی» که در سن ۵۸ سالگی با دارایی حدود ۲۷ میلیارد دلار، یکی از ثروتمند ترین افراد در دانمارک و در فهرست ثروتمند ترین زنان جهان قرار گرفت. شرکت خصوصی او در شهر «بردبرو» اکنون تنها شرکت تولید کننده کفش در جهان است که مدیریت و مالکیت تمام مراحل تولید کفش را خودش به تنهایی در دست دارد. ۲۰ هزار کارمند از ۵۰ کشور جهان در این شرکت مشغول به کار هستند و کفش های راحتی را که برای مردان، زنان و کودکان تولید می کنند در ۸۷ کشور جهان به فروش می رسانند.



منبع: forbes.com

**مترجم: یاسمین مشرف**

برخی ثروت ها یک شبه به دست می آیند اما برخی دیگر با طی کردن مسیری دقیق و با گذر از میان چندین نسل، به موفقیت و ثروت می رسند. خانم «هانی توسیای کاسپرزاک» صاحب ۵۸ ساله کارخانه یکی از معتبر ترین برندهای کفش دنیااست که وبسایت فوربس او را در فهرست میلیارد های جهان قرار می دهد و ثروتش را از راه دو به دست آورده است. در ادامه، نگاهی خواهیم داشت به سبک زندگی او و مسیری که برای رسیدن به موفقیت طی کرده است. مسیری که به نظر می رسد برای بسیاری از مردم جهان، درس آموز باشد.

**دختری که به پدرش رفته است**

داستان از تقریباً نیم قرن پیش شروع شد. زمانی که «کارل توسیای» پدر «هانی کاسپرزاک»، شغل خوب و مطمئنش در سمت مدیر یک کارخانه تولید کفش در کپنهاگ، پایتخت دانمارک را رها کرد با این هدف که کارخانه خودش را راه اندازی کند. او خانه و خودرواش را فروخت و به همراه همسر و دختر پنج ساله اش به شهر کوچک «بردبرو» در حومه دانمارک نقل مکان کرد. در سال ۱۹۶۳



زندگی سلام  
شنبه  
۲۱ مهر ۱۳۹۷  
شماره ۱۱۶۰

**خانواده مشاوره**

۹

CMYK